

# برآمدن پول

## تاریخ مالی جهان

نیل فرگوسن

ترجمہ ی شہلا طہماسبی - احمد محمدی



شیر احتران

## فهرست مطالب

۱۱	پشگفتار
۳۳	۱- رؤیاهای مال اندوری
۳۵	کوه پول
۴۹	برول حواریها
۵۹	تولد نانک داری
۷۲	تکامل نانک داری
۸۰	ملت ورشکسته
۸۷	۲- انقیاد بشری
۹۲	کوههای ندهی
۱۰۲	سپاربت مالی
۱۱۸	سوق دادن ایالات حوبی به نشیب
۱۲۴	مرگ بدون ریح رانت گیر
۱۴۴	تحدید حیات رانت گیر
۱۴۹	۳- حساب ساری
۱۵۷	شرکتی که شما حفظ می کنید
۱۷۹	اولس حساب
۲۰۱	گاوها و حرسها
۲۰۸	داستان دساله های پهن
۲۲۱	۴- پاداش ریسک
۲۲۲	تشویش عظیم
۲۳۱	پوشش یافتن در برابر ریسک
۲۴۷	ار حنگ تا تأمین اجتماعی
۲۶۰	تسکین عظیم

۲۷۲	مصون و نامصون در برابر ریسک
۲۸۱	۵- امن مثل حانه
۲۸۵	اشرافیت ملکداری
۲۹۳	دموکراسی صاحب‌حانه‌گی
۳۰۷	ار پس‌اندارها و وام تا وام دست دوم
۳۳۱	امن مثل حاسم حانه
۳۴۱	۶- ار امپراتوری نه چیمریکا
۳۵۶	جهانی شدن و سرد سربوشت‌سار
۳۷۵	حمایت‌کاران اقتصادی
۳۹۲	سوء‌اداره‌ی سرمایه‌ی کوتاه‌مدت
۴۰۵	چیمریکا
۴۱۵	پی‌گهار فرود آمدن پول
۴۴۱	قدردانی
۴۴۳	یادداشت‌ها
۴۶۵	فهرست تصاویر
۴۶۹	نمایه

## رؤیاهای مال اندوزی

دنیایی را محسوم کنید که در آن پول وجود ندارد بیش از صدسال، کمویست‌ها و آنارشویست‌ها - نگدریم از مرتجعان افراطی، مدهی‌های بیادگرا و هیپی‌ها - چنین رؤیایی در سر داشتند به گفته‌ی فریدریش انگلس و کارل مارکس، پول فقط انراری برای بهره‌کشی سرمایه‌داری بود و «رابطه‌ی پولی» جایگزین همه‌ی روابط انسانی حتی روابط خانواده‌گی شده بود همان‌گونه که مارکس بعدها سعی کرد در سرمایه<sup>۱</sup> بیان کند پول، کار کالا شده بود، مازاد تولید ربح و تلاش صادقانه که کنار گذاشته می‌شد و بعد برای ارضای عطش سیری‌ناپذیر طبقه‌ی سرمایه‌دار به اساشت، «مادیت می‌یافت» این نوع نظریات نه‌سختی از بین می‌روند تا همین اواخر در دهه‌ی ۱۹۷۰، هور عده‌ای از کمویست‌های اروپایی در آرزوی دنیایی بدون پول بودند، مثل این فوران فکری اتویایی که از نشریه‌ی سوسیالیست *استاندارد*<sup>۲</sup> استخراج شده است

پول ناپدید می‌گردد و طلا، آن‌طور که لس می‌خواست، برای ساختن مستراح‌های عمومی دحیره می‌شود در حوامع کمویست کالاهای محانی و رایگان خواهد بود سازمان جامعه‌ار پایه بدون پول بنا خواهد شد اشتیاق حوون‌آمیر و بیمارگونه‌ی مصرف و اندوختن از بین

خواهد رفت میل به جمع‌آوری اشیاء معینی را از دست خواهد داد دیگر پولی برای در حیط گداشتن وجود نخواهد داشت، دستمزدگیری هم نیست که نشود احیرش کرد اسان‌های بویں مثل احدات شکارچی و گردآورنده‌شان نه طبیعت که همهی مایحتاجشان را سحاوتمدانه و اغلب به وفور در اختیارشان می‌گذارد اتکا می‌کند و بگران مسع اصلی عدا نخواهد بود<sup>(۱)</sup>

با این حال همور هیچ کشور کمویست - حتی کره‌ی شمالی - در عمل نتوانسته از پول صرف‌بظر کند<sup>(۲)</sup> حتی آتسایب گذرا نا حوامع واقعی شکارچی - گردآورنده نشان می‌دهد که در زندگی ندون پول، نقاط صعب چشمگیری وجود دارد

پنج سال پیش در کلمبیا، اعصای قبیله‌ی سوکاک - ماکو ناگهان از جنگل‌های حاره‌ای آمارون به طرف سان حوره دل گواویار<sup>۱</sup> سراریر شدند سوکاک قبیله‌ای از حوامع اسانی بریده و از یاد رفته بود تنها وسیله‌ی ارتراق آن گوشت میمون، شکار و میوه‌هایی بود که جمع می‌کردند و از پول تصویری نداشتند نه طریق اولی، از آیسده بیر تصویری نداشتند امروز، آسان در محوطه‌ای بر دیک شهر به سر می‌برند و برای ارتراق به کمک‌های دولت اتکا دارند در پاسخ به این سؤال که آیا دلشان برای جنگل تنگ شده، می‌حدند بعد از یک عمر راه‌پیمایی صعب از صبح تا شب برای پیدا کردن عدا، ناورشان نمی‌شود کسانی که اصلاً نمی‌شناسدشان مایحتاجشان را تأمین می‌کند بی‌آنکه در عوض چیری ارشان نخواهد<sup>(۳)</sup>

همان‌طور که تامس هابز<sup>۲</sup> در مورد وضع طبیعی گفته، زندگی یک شکارچی - گردآورنده در واقع امر «تک‌افتاده، پست، ناپاک، حیوانی و کوتاه» است از جهاتی تردیدی نیست که گشت ردن در جنگل و شکار میمون‌ها ممکن است بر کار شاق گذران از راه کشاورزی ترحیح داشته باشد اما

1 San Jose del Guaviare

۲ Thomas Hobbs (۱۵۸۸-۱۶۷۹)، فیلسوف انگلسی م

اسان شناسان نشان داده‌اند که بسیاری از قبیله‌های شکارچی - گردآورنده که تا دوران معاصر دوام آورده‌اند، آن‌طور که ناید و شاید رام سوده‌اند مثلاً علت مرگ حدود ۶۰ درصد از مردان قبیله‌ی حیوارو در اکوادز، اعمال حشوت بود و در مورد یانوماموهای برریل این رقم حدود ۴۰ درصد بود وقتی که دو گروه از این اسان‌های انتدایی اتفافی به هم برحورد کردند، این احتمال که بر سر مساع کمیاب (عدا و ریان نارور) نه حان هم بیفتند از اینکه وارد دادوستد تحاری شوند بیشتر بود شکارچی - گردآورنده‌ها تجارت نمی‌کند، شیحوں می‌رسد اهل اندوحتن هم نیستند، عدایشان را نه محص پیدا کردن مصرف می‌کند، در نتیجه بیاری نه پول ندارند

### کوه پول

واقعیت این است که حوامع نا فرهنگ‌تر از سوکاک‌ها هم، ندون پول از پس زندگی شان برآمده‌اند پانصد سال پیش، نا فرهنگ‌ترین جامعه‌ی آمریکای حونی، امپراتوری ایکا، نا پول نا آشنا بود برای ایسکاها خصوصیات ریایی شاحتی طلا ارزش داشت از بظر آنها طلا «عرق حورشید» و نقره «اشک‌های ماه» بود در امپراتوری ایکا، کار واحد ارزش بود، چیری که بعدها در حوامع کمویست واحد آن تصور می‌شد و مثل حوامع کمویست، اقتصاد عالماً بر برنامه‌ی مرکزی اعطاف‌ناپدیر و کار شدید متکی بود نا این حال در ۱۵۳۲، امپراتوری ایکا توسط مردی که، مثل کریستف کلمب، آشکارا در پی فلرگرانهای قابل تبدیل به پول بود، معلوب شد \*

در ۱۵۰۲، فرایچسکو پیرارو<sup>۱</sup>، پسر نامشروع یک کلل اسپانیایی، برای آرمایش نحت و اقتال خود از اقیانوس اطلس عبور کرد، یکی از اولیں

\* فایحان اسپانیایی در پی طلا و نقره بودند اولس افامگاه کلمب، لاایرانلا هسپانولا (جمهوری دومینیک حونی)، برای جمع‌آوری رسوبات طلای مسطه سانس شد او اعتقاد داشت که نقره هم پیدا کرده، اما سها رگه‌هایی که بعدها پیدا شد، در سبوه‌های سنگ معدنی بود که همراه افرادش از اسانیا آورده بود